

کتاب‌های «شبیه مریم»، «فاطمه علی است» و «من برمی‌گردم» به همت نشر کتاب جمکران تجدید چاپ شدند. شبیه مریم که یازدهمین چاپ خود را پشت سر می‌گذارد، روایتگر داستان زندگی فضه ثوبیه از ایام کودکی تا زیست وی در فضای مدینه النبی است. فضه در مقام والایی از ایمان و تقوا قرار دارد. ایشان در نطق و خطابه قهرمان زبردستی بوده و علاوه بر افتخار خدمت

تجدید چاپ آثار فاطمی نشر جمکران



قالب قصیده از نخستین و قدیمی‌ترین انواع شعر فارسی است. چنان‌که می‌دانیم این قالب در دوره نخستین حیات شعر فارسی برای مدح شاهان و دریافت سله از آنان رایج بود و بعدها قالب غزل از دل آن بیرون آمد و به قالب رایج و اصلی شعر فارسی بدل شد. قصیده، شری است که با قصد خامی مانند مدح کسی یا بیان رویدادی سروده شده باشد. به این اعتبار شعرهایی را که در روزگار ما سروده شده است و از نظر تعداد بیت‌ها به اندازه قصاید قدیمی نیست اما برای قصدی چون مدح و منقبت سروده شده باشد، می‌توان در شمار قصاید این روزگار به حساب آورد. در این نوشتار، سه قصیده فاطمی از سه شاعر معاصر ما مرور می‌کنیم و درباره آنها سخن می‌گوییم.



قالب قصیده از نخستین و قدیمی‌ترین انواع شعر فارسی است. چنان‌که می‌دانیم این قالب در دوره نخستین حیات شعر فارسی برای مدح شاهان و دریافت سله از آنان رایج بود و بعدها قالب غزل از دل آن بیرون آمد و به قالب رایج و اصلی شعر فارسی بدل شد. قصیده، شری است که با قصد خامی مانند مدح کسی یا بیان رویدادی سروده شده باشد. به این اعتبار شعرهایی را که در روزگار ما سروده شده است و از نظر تعداد بیت‌ها به اندازه قصاید قدیمی نیست اما برای قصدی چون مدح و منقبت سروده شده باشد، می‌توان در شمار قصاید این روزگار به حساب آورد. در این نوشتار، سه قصیده فاطمی از سه شاعر معاصر ما مرور می‌کنیم و درباره آنها سخن می‌گوییم.



یکی از مشهورترین شعرهای فاطمی روزگار ما را قادر ملهامسی (فرید) سروده است. شعری که شاید برخی از خوانندگان این شعر را در محافل و مجالس شهادت حضرت زهرا(س) شنیده باشند. در این شعر، شاعر با انتخاب ردیف «تو را» در طول شعر، در حال گفت‌وگو با حضرت زهرا(س) است. شعر این‌گونه آغاز می‌شود: آن شب که دفن کرد علی بی‌صداتورا خون‌گریه‌کرد چشم‌خدا در عزا تورا شاعر سعی کرده است در طول شعر فضای عمومی همین صحنه یعنی دفن شبانه و بدون صدای حضرت زهرا(س) را به تصویر بکشد. به عبارت دیگر اوسعی کرده است به این سؤال پاسخ دهد که چرا مولاع) همسر را در تاریکی شب و بدون حضورانبوه جمعیت به خاک سپرده است و از این فضا استفاده و با تعبیرهای شاعرانه درباره این موضوع تصویرسازی می‌کند:

به حضرت زهرا(س)، سراسر زندگی این بانوی نمونه، از خلوص و معنویت موج می‌زند. آن‌طور که تاریخ‌گواهی می‌دهد، این زن والامقام در مدت ۲۰سال از زندگی خود حتی گفت‌وگو و مکالمات عرفی خود را هم با آیات قرآن‌کریم بیان می‌کرد. کتاب «فاطمه علی است» نوشته آقای علی قهرمانی که حاوی ۱۷۶ داستانک از زندگی حضرت زهرا(س) و حضرت

مروری بر اشعار فاطمی ۴ شاعر معاصر

سرایندگان قصیده اشک



درد جهان، خانه علی است / زین خانه می‌برند ندانم کجا تورا؟! / غافل مشو «فرید» از این مژده زلال /کاین حال هدیه‌ای است ز خیرالنساتورا

نقش علی است در دل آئینه، یا تویی؟

مرتضی امیری اسفندقه از شاعرانی است که در روزگار ما توانسته است پرچم قصیده‌سرایی را در اهتزاز نگه دارد. توانایی او در زبان، شیرین‌کاری‌هایش در استفاده از طنزی کمرنگ و ظریف و تسلطش به حوزه بدیع و معانی باعث شده است قصیده‌های طولانی او همیشه خواندنی از کار درآید و مخاطب کمتر احساس کند شعری مطول و بلند را می‌خواند. یکی از قصاید مشهور او، قصیده‌ای فاطمی است با مطلع: هرکس بر آنچه دیده اگر هرکجا، تویی / یعنی که ابتدا تویی و انتها تویی چنان‌که مشخص است شاعر سعی کرده است با مخاطب قراردادن حضرت زهرا(س) به مدح ایشان بپردازد. او با بیان برخی خصایص حضرت و تأکید بر این‌که «غیر از علی نبود کسی هم‌طراز تو» شرحی از بزرگی و اهمیت نقش حضرت زهرا(س) در طول تاریخ تشیع بیان می‌کند:

در تو خدا تجلی هر روزه می‌کند / «آئینه تمام‌نامی خداه، تویی / میلاد تو تولد توحید و روشنی است ای مادر پدر! غرض از روشنائی / چیزی ندیده‌ام که تو در آن نبوده‌ای / تا چشم‌کار می‌کند، ای آشنا تویی / در ولایت از تو نشسته چنین به بار / سرچشمه فقاहत آل عبا تویی / غیر از علی نبود کسی هم‌طراز تو غیر از علی ندید کسی تا کجا تویی / تو با علی و با تو علی روح واحدید / نقش علی است در دل آئینه، یا تویی؟ و به اینجا می‌رسد که: ایمان خلاصه در توومهر تومی‌شود / مکه تویی، مدینه تویی، کربلا تویی / زمزم ظهور زمزمه‌ها زلال توست / مروه تویی، قداست قدسی! صفات تویی / بعد از تو هر زنی که به پاکی یازاند است / سوگند خورده است که خیرالنسا تویی / شوق تلاوت تو شفا می‌دهد مرا / ای کوثر کثیر! حدیث کساتویی در اینجا شاعر سعی می‌کند نسبتی میان خود و حضرت زهرا(س) ایجاد کند. در حقیقت عرض

علی (ع) است به چهل و هفتمین تجدید چاپ خود را پشت سر گذاشت. کتاب من بر می‌گردم نوشته فاطمه دولتی نیز داستان شش زنی بزرگ را که هر کدام‌شان در یک دوره تاریخی زندگی کردند و زندگی پر فراز و نشیب آنها به هم پیوند خورده‌است. در قالب رمانی جذاب حکایت می‌کند این اثر نیز برای نهمین بار تجدید چاپ شده‌است.



والته امیری اسفندقه کمی هم از زندی‌های شاعرانه در پایان شعر خرج کرده است، جایی که چنین قافیه «شما» را به کار می‌گیرد و رنگ‌وبویی صمیمانه به شعر می‌بخشد. گویی شاعر را در حال بیان شرح حال خود در برابر بزرگی تجسم می‌کنیم:

گفتم تو ای بزرگ! خطای مرا ببخش / لطف نمی‌گذاشت بگویم «شما» تویی / باری، کجاست بقعه قبر غریب تو؟ / بر ما یتاب، روشنی چشم ما تویی

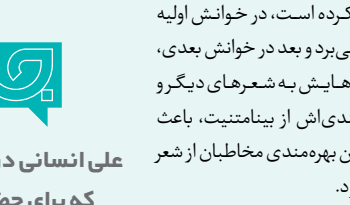
مگر آه ازین پهلوی به آن پهلویگرداند

علی انسانی در شعری که برای حضرت فاطمه زهرا(س) و بیان حادثه شهادت ایشان سروده، زاویه نگاه خود را شجاعانه عوض کرده است. در دو شعری که از فرید و امیری خواندیم، هر دو شاعر در حال مخاطبه با حضرت بودند و از ضمیر «تو» استفاده کرده بودند اما علی انسانی، راوی شعر را شخص حضرت زهرا(س) قرار داده‌است. نکته مهم درباره این شعر این است که شاعر با استفاده از ردیفی سخت «بگرداند» سعی کرده است شعری در وصف یک شخصیت بسازد. چنین انتخاب دشواری برای هر شاعر کم‌تجربه یا کم‌توانی باعث می‌شد شعر به سختی شکست بخورد ولی شاعری باتجربه مانند علی انسانی توانسته است از این انتخاب سخت و دشوار، فرصتی برای سرودن شعری خاص و با تصویرهای ویژه و بدیع ایجاد کند. شعر با این مطلع شروع می‌شود:

چه غم گر هرکسی از من بجزغم رو بگرداند / مباد از سرم رو کاسه زانو بگیرداند و بیت بعدی این است:

رهین ممت دردم که بنشسته به پهلویم / به بستر، او مرا زین سوی، بر آن سو بگرداند در این دوبیت، تصویری بی‌نهایت تلخ و دردآور از کسی که دچار درد است و البته از این درد چندان هم ناراحت نیست داده شده است. ضمن این‌که باید حواس‌تان باشد که در کنار این مصرع شعر «تنها صدا بماند اگران، می‌شنیدم و البته در این بیان، سعی کرده است با استفاده درست و زنده‌ان از «ضمین» و با بهره‌بردن از شعرهای حافظ و فروغ، به قصیده‌اش رنگی شاعرانه‌تر هم بزند. استفاده از مصرع «آنان که خاک را به نظر

کیمیا کنند» در کنار یکی دواشاره به مصرع‌های دیگری از حافظ و نیز این مصرع شعر «تنها صدا بماند اگران، صدا تویی» که اشاره‌ای است به سطر «تنها صداست که می‌ماند» فروغ، باعث شده است شعر لایه جدیدی هم پیدا کند. یعنی مخاطب از خواندن آنچه شاعر



علی انسانی در شعری که برای حضرت فاطمه زهرا(س) و بیان حادثه شهادت ایشان سروده، زاویه نگاه خود را شجاعانه عوض کرده است

بیان کرده است، در خوانش اولیه لذت می‌برد و بعد در خوانش بعدی، اشاره‌هایش به شعرهای دیگر و بهره‌مندی‌اش از بینامتنیت، باعث بالا رفتن بهره‌مندی مخاطبان از شعر می‌شود. آن منجی بزرگ که در هر سحر به او / می‌گفت مادرم به تضرع- بیا! تویی / آن راز سر به مهر که «حافظ» غریب‌وار / می‌گفت صبح زود به باد صبا تویی / هنگام حشر جز تو شفاعت‌کننده نیست / تنها تویی شفیعه روز جرا، تویی / در خانه تو گوهر بعثت نهفته است / راز رسالت همه انبیا تویی / «آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند» / بی تو چه می‌کنند؟ تویی کیمیا تویی / قرآن ستوده است تو را / روشن و صریح / یعنی که کاشف همه آیه‌ها تویی / درد مرا که هیچ طبیبی دوا نکرد / آه ای دوی درد دوعالم! دوا تویی / من از خدا به غیر تو چیزی نخواستم / ای چلچراغ سبز اجابت! دعا تویی / پیچیده در سراسر هستی ندای تو / تنها صدا بماند اگران، آن صداتویی

انتشار پنجمین فصلنامه ادبیات پایداری

پنجمین شماره فصلنامه اندیشکده ادبیات پایداری حوزه هنری انقلاب اسلامی، با نگاهی به موضوع ادبیات مستند منتشر شد. گفت‌وگو با هدایتا... پیهودی (پژوهشگر و تاریخ نگار انقلاب اسلامی) و احمد شاکری بخشی از این شماره ادبیات پایداری است. بخش بعدی این فصلنامه شامل گفت‌وگو با ۱۰ نفر از فعالان عرصه مستندنگاری ادبیات پایداری است که با عنوان «ارویان مستند» به چاپ رسیده‌است. بررسی ویژگی‌های شخصیتی شهید محمدرضا خالصی و مولفه‌های پایداری در کتاب «زیتون سرخ» و نشانه‌شناسی ویژگی‌های شخصیتی رزمندگان دفاع مقدس از دیگر مطالبی است که در این شماره به چشم می‌خورد. علاقه‌مندان دریافت این فصلنامه می‌توانند به کانال اندیشکده ادبیات پایداری به نشانی andishkadehpaidary@ مراجعه کنند.

ادبیات CULTURE

دوشنبه ۵ دی ۱۴۰۱ ۶۳۹۱ شماره

نکته

آسمان را کشان کشان بردند

سید حمیدرضا برقی در شعری که برای حضرت زهرا(س) سروده است، از قالب مسمط استفاده کرده است. چنان‌که خواهیم دید در این قالب شاعر در چهار مصرع از قافیه یکسان استفاده کرده است و مصرع‌های ضریب پنج با هم قافیه هستند.

رعایت قافیه مصرع با همدیگر انتخاب خیلی سختی است که شاعر خود را ملزم به آن کرده‌است اما سخت‌تر از این، آن است که شاعر سعی کرده است در این شعر روایتی را هم بیان کند. شعر روایی معمولاً در قالب‌هایی مانند مثنوی یا نیمایی سروده می‌شود که شاعر دارای آزادی عمل بیشتری است اما سید حمیدرضا برقی در این شعر به‌صورت تعدمی دست و پای خود را نه تنها باز نکرده است بلکه بیشتر بسته است و اتفاقاً همین انتخاب سخت و دشوار است که نشان می‌دهد قدرت شاعرانه او چقدر است. در اینجا شاعر در حقیقت توانایی شاعرانه خود را به چالش کشیده است و همچنان که خواهیم دید، موفق هم از عهده آن برآمده‌است. شاعر سعی کرده‌است از روایت استفاده کند. به همین دلیل شعر با چند دیالوگ کوتاه شروع می‌شود. انگار یک فیلم کوتاه را داریم تماشا می‌کنیم. شاعر سعی کرده است شعر را دکویاژ شده در برابر چشم ما بیاورد. صدایی می‌گوید، در می‌زنند، بعد درباره این‌که چه کسی پشت در است صحبت می‌کند اما به‌سرعت زاویه دید کلی‌تری وارد شعر می‌شود و بالاخره مادر پشت در می‌رود و شاعر با قطع روایت خود، مخاطب را منتظر و ملتهب نگاه می‌دارد.

گفت: در می‌زنند هممان است گفت: آیا صدای سلمان است؟ این صدانه، صدای طوفان است مزین این خانه مسلمان است مادرم رفت پشت در، اما...

این بند ادامه شعر بعد از وصل دوباره صدای راوی است. گفت‌وگویی را که بیشتر قطع شده بود در اینجا می‌خوانیم. مادری که پشت در رفته بود، در حال گفت‌وگو با کسانی است که در می‌زنند که در این حال پشت در سوخت.... گفت: آرام، ما خدا داریم

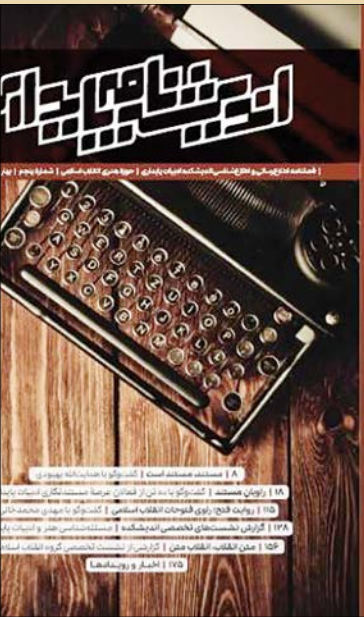
ما کجا کار با شما داریم واگر روضه‌ای به پا داریم پدرم رفته، ما عزاداریم پشت در سوخت بال و پیرا

در بند بعدی، شاعر بدون این‌که نامی از حضرت علی (ع) ببرد، سعی می‌کند با استفاده از کلیدواژه‌های آشنا، صحنه را بازسازی کند و البته خیلی هم به‌صراحت سخن نمی‌گوید تا مخاطب خود از واژگانی مثل ریسمان، بازوی مادر و کشان‌کشان بردن به مفاهیمی برسد که قرار است در شعر بیان شود و رویدادهایی که شعر به آنها اشاره داد:

آسمان را به ریسمان بردند آسمان را کشان‌کشان بردند پیش چشمان دیگران بردند مادرم داد زد بمان، بردند بازوی مادرم سپر، اما بند پایانی، توانایی شاعر را در روایت نشان می‌دهد. درحالی که پدر را کشان‌کشان می‌برند، چندباری هم به زمین می‌خورد و زمین و زمان با دیدن این صحنه آتش می‌گیرد، پدر یک لحظه آتش خشم در دلش روشن می‌شود ولی به‌سرعت به ذوالفقار خود نگاه می‌کند که روزی در دست منتقم اهل بیت (ع) خواهد بود و انتقام این ستم‌ها را خواهد گرفت. شاعر با سکوت و با استفاده از نهایت ایجاز موفق می‌شود این همه مفاهیم را از سقیفه و بعد از آن تا انتقام مهدی موعود را در چند مصرع به خوبی و موفقیت بیان کند و یکی از بهترین شعرهای فاطمی را در قالبی سخت بسازد:

بین آن کوچه چند بار افتاد اشک از چشم روزگار افتاد پدرم در دلش شرار افتاد تا نگاهش به ذوالفقار افتاد گفت: یک روز... یک نفر اما...

قاب



کتاب «حاج آقا روح...» دومین جلد از مجموعه حیات روح خدا با تألیف حمیدرضا باقری توسط شرکت چاپ و نشر بین الملل منتشر و راهی بازار نشر شد. مجموعه حیات روح خدا در چهار بازه دوره طلبگی و جوانی حضرت امام از ۱۲۸۱ تا ۱۳۱۶ (۳۵ سالگی ایشان)، دوره میانسالی و استادی ایشان از ۱۳۱۶ تا ۱۳۴۰ (۵۹ سالگی ایشان)، دوره مبارزه و قیام از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ (۷۶ سالگی ایشان) و دوره رهبری انقلاب تا ۱۳۶۸ (۸۷ سالگی) تنظیم شده‌است. در این مجموعه زندگی حضرت امام اعم از ابعاد فردی و اجتماعی، سیاسی و عبادی، علمی و عملی از دل خاطرات و نوشته‌های به جا مانده از ایشان استخراج و بر اساس مخوز زمان به صورتی جامع با ترسیم بستر تاریخی تنظیم شده‌است. دوره اول این مجموعه با یک جلد با عنوان آقا روح... به اتمام رسید و سال گذشته به چاپ رسید و دوره دوم نیز با دو جلد به‌تازگی به پایان رسیده و جلد اول از دوره دوم اکنون منتشر شده‌است.

کتاب «حاج آقا روح...» دومین جلد از مجموعه حیات روح خدا با تألیف حمیدرضا باقری توسط شرکت چاپ و نشر بین الملل منتشر و راهی بازار نشر شد.

نشر

زن انقلابی در کتاب «به توان شانه‌هایت»

کتاب «به توان شانه‌هایت، خاطرت شفاهی طاهره غفوری» در محل حسینیه بیت‌الزهر که توسط این بانوی خیر ساخته شده، رونمایی شد. مینا حاجی حبیب‌زاده، نویسنده کتاب به توان شانه‌هایت در مراسم رونمایی از این کتاب با اشاره

به اهمیت سوزه‌ای زن در انقلاب اسلامی گفت: خانم طاهره غفوری در دوران انقلاب جزو دختران فعال و مبارز شهر یزد بوده و در زمینه توزیع اعلامیه و فعالیت در گروه‌های زنانه نقشی اثرگذار داشته‌است.

خانم غفوری در دوران جنگ نیز یکی از اعضای فعال در خیاط‌خانه و پشتیبانی جنگ قلعه خیرآباد یزد بود و علاوه بر این با حضور در ستاد نماز جمعه و سپس با پذیرش سرپرستی ندامتگاه یزد، فعالیت‌هایی بی‌وقفه انجام داده‌است. یکی از اتفاقات مهم زندگی ایشان نیز حضور کوتاه مدت به عنوان پرستار در جبهه بوده که موجب شیمیایی شدن ایشان شده‌است. از جمله اقدامات خانم غفوری پس از جنگ نیز تأسیس خیریه بیت‌الزهر (س) و فعالیت در زمینه تسهیل ازدواج و تهیه چهره‌په برای جوانان، انجام امور خیریه و فعالیت جدی در مقابله با شیوع بیماری کروناست.

